

Evaluation of educated Iranians' Status in the Cycle of International Migration

Saideh Saidi¹

Abstract

Purpose: The migration of experts is a kind of conscious and purposeful emigration of human resources holding knowledge and studying the migration patterns of Iranian society especially the educated persons is one of the most important research requirements. The main goal of this research is meta-analysis of the studies conducted regarding the subject of elite migration and its effect on their behavioral patterns and social belonging.

Method: The method of this research is based on the meta-analysis of ۱۵۴ documents in the form of articles, research projects and books. It will be evaluated based on the three levels of migration cycle.

Findings: The main focus of the researches is on emigration (compared to diaspora and return studies), the migration of higher education players (compared to status measurement in primary education section), priority given to economic drivers (compared to social, political and cultural drivers). The study of migration from the perspective of gender considerations, paying attention to the political economy of migration and the issue of delocalization of migration are neglected points of studies that should be on the agenda of researchers.

Keywords: International Migrations, Higher education, Meta-analysis, Diaspora, Return

1. Assistant professor at ISCS

Saidi@iscs.ac.ir

بازخوانی وضعیت تحصیل کردگان ایرانی در چرخه مهاجرت‌های بین‌المللی

سعیده سعیدی^۱

چکیده

هدف: مهاجرت متخصصان نوعی برون کوچی آگاهانه و هدفمند نیروی انسانی برخوردار از سرمایه و دانش است و مطالعه الگوهای مهاجرتی جامعه ایران به ویژه تحصیل کردگان یکی از مهم‌ترین الزامات پژوهشی است. هدف اصلی این پژوهش فراتحلیل مطالعات صورت گرفته در خصوص چرایی مهاجرت در میان ذهنیت ایرانیان و تأثیر آن بر الگوهای رفتاری و تعلق اجتماعی آنان است. روش: روش این پژوهش مبتنی بر فراتحلیل ۱۵۴ سند در قالب مقاله، طرح پژوهشی و کتاب می‌باشد. فراتحلیل مهاجرت تحصیل کردگان براساس سطوح سه‌گانه چرخه مهاجرت انجام خواهد شد. یافته‌ها: براساس فراتحلیل اسناد مورد نظر تمرکز عمده پژوهش‌ها بر برون‌کوچی (نسبت به مطالعات دیاسپورا و بازگشت)، مهاجرت بازیگران آموزشی (نسبت به بازیگران آموزش و پرورش) و اولویت به پیشرانهای اقتصادی (نسبت به پیشرانهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی) بوده است. مطالعه مهاجرت از منظر ملاحظات جنسیتی، توجه به اقتصاد سیاسی مهاجرت و موضوع غیرمکانی شدن مهاجرت از نقاط مغفول مطالعات است که باید در دستور کار محققین قرار گیرد.

کلیدواژگان: مهاجرت‌های بین‌المللی، آموزش عالی، فراتحلیل، دیاسپورا، بازگشت

بیان مسئله

تحرك مکانی افراد در بین فضاها، مکانها و زمانهای مختلف پیامدهای اقتصادی، روان شناختی و سیاسی متنوعی داشته که موضوع مهاجرت را به یک مفهوم زمینه‌مند مبدل ساخته است. جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های مهاجرتی، موقعیت استراتژیکی دارد زیرا به طور همزمان کشور مبدأ، ترانزیت و مقصد میلیونها مهاجر می‌باشد. مهاجرت متخصصان، نوعی خروج آگاهانه و هدفمند نیروی انسانی برخوردار از سرمایه و

۱. عضو هیئت علمی موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی تهران، ایران

دانش به سوی کشورهای توسعه یافته است. اگرچه جمهوری اسلامی ایران براساس سالنامه مهاجرتی ایران (۱۴۰۲) با ۶۶ هزار دانشجو (مهاجر بالفعل) در خارج از کشور وضعیت نسبتاً عادی در جدول مهاجرت‌های تحصیلی در جهان دارد، اما بحث مهاجرت تحصیل‌کردگان و تمایل به رفتن که عربستانی (۱۳۹۷) از آن به تمنای رفتن یاد می‌کند صبغه پرننگی در زیست روزمره عموم مردم به طور کلی و بازیگران نهاد آموزش عالی (دانشجویان و اساتید) به طور خاص دارد.

یکی از مهم‌ترین نتایج توده‌های شدن آموزش عالی افزایش تحرک مکانی تحصیل‌کردگان ایرانی در داخل و خارج از کشور بوده است؛ حذف یارانه هایپارانه‌های دولتی در آموزش رایگان، نظام آموزشی ناکارآمد، رشد کمی آموزش عالی و نداشتن توازن با ظرفیتهای بازار کار، عدم ثبات سیاست‌ها و مدیریت علمی، عدم توجه به منزلت اصحاب علم، نابرابری جنسیتی در دسترسی به منابع موجود و عدم تناسب رشته‌های تحصیلی با فرصتهای شغلی موجود به عنوان مهم‌ترین کاتالیزورهای فرایند برونکوچی نیروهای تحصیل‌کرده در سالهای اخیر است و مطالعه الگوهای مهاجرتی جامعه ایران به ویژه تحصیل‌کردگان یکی از مهم‌ترین الزامات پژوهشی در راستای منافع ملی خواهد بود.

هدف اصلی این پژوهش فراتحلیل مطالعات صورت گرفته در خصوص چرایی مهاجرت در میاندهنیت تحصیل‌کردگان (با تأکید بر تحصیلات دانشگاهی) و تأثیر آن بر الگوهای رفتاری و تعلق اجتماعی آنان است؛ در این پژوهش مهاجرت تحصیل‌کردگان براساس سطوح سه گانه چرخه مهاجرت (شکل ۲) انجام خواهد شد: تحلیل رفتارهای برون کوچی تحصیل‌کردگان با اهداف آموزشی (ادامه تحصیل / فعالیت در دانشگاه) بحث پایداری و ماندگاری مهاجران تحصیل‌کرده در مقصد و همچنین کنشهای فراملی گرایانه و مهاجرت بازگشتی به کشور مبدأ مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

مهاجرت نخبگان، فرار مغزها، مهاجرت تحصیل‌کردگان به ویژه برگزیدگان المپیادهای جهانی، اساتید دانشگاه، منتخبان کنکور همواره از مباحث مورد توجه رسانه‌های جمعی و محافل دانشگاهی بوده است و چه به صورت عام و چه به صورت خاص محور پژوهش‌های مختلف قرار داشته است. بازخوانی این پژوهش‌ها و تجمیع یافته‌ها و نتایج نظری و عملی آنها می‌تواند نقشه راه مناسبی را در اختیار پژوهشگران این حوزه قرار دهد تا با شناخت نقاط مغفول و کمتر مورد مطالعه قرار گرفته شده درک جامع‌تری نسبت به این حوزه به دست آید. ذاکر صالحی (۱۳۸۴) با فراتحلیل ۴۸ سند و توکل و عرفانی منش (۱۳۹۳) با مرور سیستماتیک ۶۸ سند که از سال ۱۳۸۰ به بعد در حوزه مهاجرت نخبگان منتشر شده بود را از ابعاد روش‌شناختی و محتوایی مورد مذاقه قرار داده‌اند. در پژوهش پیش رو تلاش شده

تا جامعیت بحث مورد تأکید قرار گیرد و در این راستا ۱۵۴ سند مورد مطالعه قرار گرفته است. از سوی دیگر تمرکز بر مهاجرت تحصیل‌کردگان تمام اشکال مهاجرتی مورد توجه قرار گرفته است و نه صرفاً مهاجرت‌های تحصیلی و کاری. همچنین بازه زمانی پژوهش‌های مورد نظر بعد از انقلاب را شامل می‌شود و اسناد داخلی و بین‌المللی با وزن مساوی مورد نظر بوده است.

مبانی مفهومی و نظری پژوهش

یکی از چالش‌های پژوهش پیش رو انتخاب واژگان مبنایی بود؛ مهاجرت تحصیلی صرفاً تحرک مکانی با هدف ادامه تحصیل را پوشش می‌دهد که اگرچه به فهم رفتار مهاجرتی دانشجویان و فارغ‌التحصیلان کمک می‌کند، اما حرکت‌های فرامرزی اساتید را شامل نمی‌شود و همچنین سایر اشکال مهاجرتی در صور اجباری (پناهندگی، پناهجویی و آوارگی) نیز مغفول می‌ماند. نکته دیگری که در انتخاب واژگان چالشبرانگیز می‌نمود، مهاجرت خواندن تحرک مکانی تحصیلی است. از یک منظر حرکت فرامرزی به منظور ادامه تحصیل (به دلیل نوع ویزا) مهاجرت تعریف نشده و جابجایی تحصیلی^۱ اطلاق می‌شود، اما پژوهش‌های میدانی در مورد ایران (سعیدی ۲۰۲۱)^۲ نشان می‌دهد که الگوی مهاجرتی در میان سوژه‌های تحصیل‌کرده تغییرات زیادی نموده که در قالب "تحصیل به عنوان بهانه مهاجرت" صورت‌بندی می‌شود بنابراین باید از رژیم‌های متنوع تحرک مکانی^۳ صحبت کرد زمانی که در حرکت افراد چه با قصد ادامه تحصیل و چه یافتن کار اشتیاقی و رای رسیدن به هدف وجود داشته باشد و خود حرکت از رسیدن به هدف اهمیت بیشتری داشته باشد، نمی‌توان به سادگی این تحرک مکانی را جابجایی صرف خواند و از نظر معرفت‌شناختی، مهاجرت تعریف می‌شود.

در سال‌های اخیر بسیاری از افراد با وجود داشتن موقعیت کاری مناسب با سطح درآمدی و رفاهی خوب به دلایل اجتماعی، سیاسی یا محیط زیستی به دنبال خروج از کشور بوده و ادامه تحصیل در مرحله تحصیلات تکمیلی در هر دانشگاهی خارج از مرزهای ملی به عنوان یکی از محبوبترین گزینه‌های مهاجرتی و مغری برای خروج کم هزینه از کشور شده است. از آنجا که موضوع مهاجرت تحصیل‌کردگان بافتارمند است نمی‌توان نسخه واحدی پیچید و می‌بایست بر اساس مختصات و ویژگی‌های بسترهای مختلف حساسیت واژگانی لحاظ نمود.

در این بخش ملاحظات نظری مهاجرت‌های بین‌المللی با تأکید بر مهاجرت تحصیل‌کردگان در سه دسته‌بندی کلان جامعه‌شناختی، روانشناختی و اقتصادی گردآوری شده است.

1. mobility
2. Saidi
3. different regime of mobility

رویکرد نظری اقتصادی به مهاجرت

قدیمیترین نظریات ارائه شده در حوزه مهاجرت با تأکید بر ابعاد اقتصادی با محوریت عرضه و تقاضای نیروی کار و دستمزد در بازار، مهاجرت را کنشی معطوف به مسائل مالی و اقتصادی می‌دانند. نظریه‌های اولیه مهاجرت مبتنی بر نظریات نئوکلاسیک بیشتر بر انگیزه‌های اقتصادی مهاجرت متمرکز بودند (لی^۱؛ تراگر^۲؛ ۲۰۰۵) که بر بنیان نظریه جاذبه-دافعه یا کشش-رانش استوار است. نظریه جاذبه-دافعه برای تبیین مهاجرت بر عدم تعادل اجتماعی و اقتصادی میان مبدا و مقصد متمرکز است و ارزیابی ویژگیها و خصوصیات موجود در مبدا و مقصد و همچنین عوامل مداخله‌گر در تصمیم‌گیری برای مهاجرت مؤثر است.

در دهه ۱۹۶۰ جابجایی افراد بیشتر با هدف افزایش بازدهی اقتصادی بود و تصمیم‌گیری افراد متخصص به مهاجرت تلاشی در راستای سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری تلقی می‌شد. نظریه سرمایه انسانی ساستاد^۳ (۱۹۶۲) مهارت و تخصص افراد (همچون دوره‌های آموزشی، تجربیات شغلی و تحصیلی و مهارت‌های زبانی) را مهم‌ترین عامل جذب در بازار کار می‌داند که می‌تواند به مهاجرت منجر شود. از سوی دیگر براساس نظریه اقتصادی تودارو^۴ (۱۹۶۹) هر مهاجر بالقوه بر مبنای هدف بیشینه سازی درآمد انتظاری تصمیم می‌گیرد تحرک مکانی را تجربه نماید و وجود نابرابری در دستمزد نیروی کار عامل اصلی مهاجرت تلقی می‌شود. به تدریج با ورود انتقادات فراوان به رویکرد تک بعدی محققین نئوکلاسیک نظریات جدید در میانه دهه ۱۹۸۰ وارد میدان شد. نظریه جدیدی در حوزه مهاجرت تحت عنوان نظریه اقتصادی جدید مهاجرت (NELM)^۵ مطرح شد که واحد تصمیم‌گیری را به جای فرد خانوار در نظر می‌گیرد و به دنبال تبیین مهاجرت و رای بحث دستمزد است و نابرابری درآمدی، محرومیت‌های نسبی و امنیت اجتماعی جوامع را علت اصلی مهاجرت می‌داند. از این منظر مهاجرت کنشی فردی نیست بلکه براساس اقتضات خانوار به ویژه حفظ درآمد صورتبندی می‌شود. در این نظریات جدید است که مسائلی مانند وجوه ارسالی توسط مهاجران به کشور مبدا مطرح است. استارک و تایلور^۶ (۱۹۹۱) معتقد هستند در این مدل جدید تمرکز نظریه مهاجرت به جای سطح فرد، سطح خانواده و خانوار است و مهاجرت به عنوان یک مسئولیت خانوادگی به حساب می‌آید که فرد مهاجر با وجوه ارسالی خانواده خود را در کشور مبدا به

1. Lee
2. Trager
3. Sjaastad
4. Todaro
5. The New Economics of Labour Migration
6. Stark & Taylor

نوعی بیمه می‌کند.

اقتصاد سیاسی بین‌الملل هم در تحلیل تحرک مکانی فرامرزی پشتوانه نظری مناسبی را شکل می‌دهد. نظریه سیستم جهانی (والرشتاین^۱ ۱۹۷۴) که بر بنیان مرکز-پیرامون استوار است. علت مهاجرت را وجود سرمایه‌داری جهانی و دول پسااستعماری می‌داند؛ در حقیقت گسترش جهانی نظام سرمایه‌داری باعث شده است تا اقتصاد جهانی نیازمند نیروی کار بیشتر باشد و این نیروی کار کاملاً در هدایت بازارهای جهانی عمل نماید. طبق این نظریه مهاجرت معلول ساختار در حال گسترش نظام سرمایه‌داری است و ریشه در معادله ناموزون در انباشت سرمایه و توسعه یافتگی در مناطق مختلف جهان دارد.

در بحث مهاجرت تحصیل‌کردگان نظریات مبتنی بر تحلیل اقتصاد سیاسی بین‌الملل راهگشا هستند زیرا جریان حرکت متخصصان را هدفمند و مبتنی بر برنامه ریزی قدرتهای برتر می‌دانند؛ امیرخانی (۱۳۸۷) در کتاب نشت نشا بروز ناآرامی، جنگ و بحران در مناطق مختلف جهان را عامل مهمی در تهی شدن این مناطق از نیروهای زبده و با مهارت می‌داند و قدرتهای جهان را متهم می‌کند که هر چند وقت یکبار ظرف مناطق مختلف را تکان داده و باعث نشت نیروها و سرریز شدن به سمت جهان اول می‌داند. همچنین نظریه نهادی (هیرشمن^۲ ۱۹۹۹) نقش مؤسسات مهاجرت را در افزایش به مهاجرت کلیدی ارزیابی می‌کند. براساس نظریه نهادی امروزه بسیاری از مؤسسات خصوصی با بهره‌گیری از عدم توازن میزان درخواست‌کنندگان مهاجرت به کشورهای توسعه یافته و محدودیت صدور ویزا برای مهاجرت، اقدام به راه‌اندازی کسب و کارهایی جهت تشویق افراد به مهاجرت از یکسو و پیرو آن کسب درآمد از سوی دیگر می‌نمایند (خاوری نژاد ۱۳۹۳).

رویکرد جامعه‌شناختی به مهاجرت

رویکردهای جامعه‌شناختی به مهاجرت، تقلیل‌انگیزه‌های افراد در فرایند تحرک مکانی به عوامل اقتصادی صرف را ناکارآمد و ناقص می‌داند. استارک^۳ (۱۹۸۴) با ارائه نظریه محرومیت نسبی وضعیت فرد در سلسله مراتبی از ارزشها را به عنوان عامل مهاجرت می‌داند. در واقع براساس این نظریه مهاجرت رفتاری تصادفی نبوده و افراد به منظور رفع احساس محرومیت خود در کشور مبدا به تحرک مکانی دست می‌زنند. در نظریه محرومیت نسبی یک مقایسه نهفته است، قیاس بین وضعیت خود که فاقد منابع مطلوب فرض می‌شود با دیگرانی که همان منابع را در اختیار دارند. امروزه رسانه‌های جمعی یکی از مهم‌ترین بسترهای بازتولید احساس محرومیت نسبی در بین افرادند که منجر به افزایش شوق مهاجرت و اشتیاق رفتن می‌شود.

1. Wallerstein
2. Hirschman
3. Stark

وقتی شرایط محیطی به دلایل آموزشی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی موقعیتی را شکل می‌دهد مهاجرت، رفتن، کوچ، فرار یا گریز از شرایط موجود امری بدیهی و به شاخص عادی زیست روزمره فرد تبدیل می‌شود (حکیمزاده و همکاران ۱۳۹۲؛ جوادزاده ۱۳۹۴) در نتیجه عدم دنباله روی از این الگو می‌تواند به شکل گیری اسکیمای نسبت به فرد تبدیل شود. به عنوان نمونه «مهاجرت و درخواست پذیرش» واژگان پر استفاده در دانشگاه‌های صنعتی در تهران است به نوعی که دانشگاه صنعتی شریف به عنوان پلی برای مهاجرت معروف شده است و اقدام برای ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر در دانشگاهی خارج از ایران یک الگوی بدیهی و روزمره در زیست دانشجویی در این دانشگاه مبدل شده است که می‌توان از آن به فرهنگ مهاجرت (کوهن و سیرکسی^۱ ۲۰۱۱) یاد کرد و رفتاری خلاف این الگو با قضاوت ارزشی در محیط پیرامون مواجه می‌شود. عامل فرهنگ مهاجرت به معنی تغییر ارزشها و رویکردهای فرهنگی یک اجتماع در نتیجه شیوه مهاجرت در میان افراد آن اجتماع است به طوری که این تغییرات احتمال مهاجرت‌های آینده را افزایش می‌دهد.

در حوزه مهاجرت‌های اجباری نیز تحرک مکانی افراد بخش پذیرفته شده‌ای از استراتژی زندگی شخصی است؛ به عنوان نمونه در آفریقا (ادپجو^۲ ۲۰۰۰)، افغانستان (مونسوتی^۳ ۲۰۰۷) پسران بزرگ خانواده اگر مهاجرت نکنند به عنوان کودکان نابالغ خوانده می‌شوند و کوچ، بخشی از مرحله گذار به بزرگسالی و شاخص استاندارد از بلوغ و تکامل فرد قلمداد می‌شود. وقتی چنین فرهنگی شکل می‌گیرد مهاجرت بازگشتی به نوعی زیرپا گذاشتن اصول فرهنگ مهاجرت است که به صورت غیررسمی به هنجار و عرف تبدیل شده است؛ بنابراین با مقاومت زیادی از سوی جامعه مبدا مواجه می‌شود زیرا به نوعی برخلاف جریان رود شنا کردن تعبیر می‌شود.

رویکرد نظری روان شناختی به مهاجرت

تمرکز مطالعات روان شناسی مهاجرت اغلب در بخش دوم چرخه مهاجرت (شکل ۲) است که بر فهم رفتارهای مهاجر در جامعه میزبان استوار است. گرینبرگها (گرینبرگ و گرینبرگ^۴ ۱۹۸۹) از مطرح‌ترین نظریه پردازان حوزه مهاجرت با رویکرد روان شناسانه می‌باشند که در کتاب مهاجرت و تبعید دلیل مهاجرت را میل به ترک دانسته که در تصمیم فرد به تحرک مکانی نقش محوری دارد و افراد میل به ترک را با توجیحات اقتصادی و دستیابی به رفاه و آینده بهتر بیان می‌کنند

1. cohen & Sirkeci
2. Adepoju
3. Monsutti
4. Grinberg & Grinberg

اختر^۱ (۱۹۹۵) نیز فرایند روانی مهاجرت را در ۴ مرحله بیان می‌کند: انگیزه‌های روانی فرد در احساس عشق و نفرت نسبت به کشور مبدا و مقصد، فضا، زمان و وابستگی اجتماعی. اختر با مطالعه تجربه فراق در میان مهاجران کوچ را بعد از فرایند جدانشدن نوزاد از مادر و همچنین در دوران بلوغ، سومین جدانشدگی مینامد که این بار پیچیدگی‌های متفاوتی دارد. شدت و ضعف این فرایند به ۹ مؤلفه بستگی دارد:

- دائمی یا موقتی بودن مهاجرت؛
- درجه آزادی برای انتخاب مهاجرت؛
- امکان دیدار دوباره از وطن برای مهاجران؛
- سن فرد در زمان مهاجرت (اشاره به تجربه سهل‌تر کودکان در فرایند فرهنگ‌پذیری در مقایسه با بزرگسالان)؛
- علت مهاجرت؛
- میزان آمادگی ذهنی پیش از مهاجرت در قبال چالش‌های روانی-عاطفی بعد از مهاجرت؛
- واکنش احساسی فرهنگ میزبان نسبت به تفاوت‌های مهاجر(نژاد، مذهب، رنگ پوست و ..)؛
- میزان اختلاف فرهنگی بین کشورهای مبدا و مقصد مهاجرت؛
- نقش‌آفرینی مهاجر در بازار کار کشور مقصد.

با توجه به اهداف پژوهش در بخش پیش‌مهاجرت یکی دیگر از ارزش‌افزوده‌های رویکرد روانشناسی بحث فانتزی مهاجرت در میان ذهنیت تحصیل‌کردگان است. واژه فانتزی به روانکاوی فروید و بحث خیال‌پردازی بر می‌گردد و در پژوهش‌های روانکاوی به معنای فریفتن خود با ادراکی خیالین است که حد واسط میان واقعیت، میل و رویا است؛ فانتزی همواره دلالت بر تحقق آرزو دارد و در بستر مهاجرت فانتزی به معنای رسیدن به آرمانشهری به نام خارج است؛ جغرافیایی دیگر که مدینه فاضل‌های است به دور از ناملایمات که الزاماً با واقعیت تطابق ندارد. فهم استراتژی‌های فردی و گروهی مهاجران در سازگاری با محیط جدید و شناخت استروسورهای فرهنگ‌پذیری استوار است.

پرکاربردترین مدل ارائه شده توسط بری^۲ (۲۰۰۵) ارائه شده است که فرهنگ‌پذیری را به معنای حفظ فرهنگ خود و داشتن ارتباط با فرهنگ‌های دیگر می‌داند و چهار استراتژی فرهنگ‌پذیری بدین شکل صورتبندی می‌گردد: ادغام^۳، جدایی^۴ (انزوا)، همانندگردی^۵ و حاشیه‌های شدن (بیتفاوتی^۶).

1. Akhtar
2. Berry
3. integration
4. separation
5. assimilation
6. marginalization



شکل ۱. استراتژیهای چهارگانه فرهنگ پذیری در مدل جان بری

یکی دیگر از مهم‌ترین مدل‌های نظری در حوزه فرهنگ‌پذیری مدل منحنی یو (لیسگارد ۱۹۵۵)^۱ است؛ لیسگارد چهار مرحله تجربه مهاجرتی افراد را به این شکل دسته‌بندی می‌کند: مرحله ماه عسل، مرحله بحران، مرحله بهبود و مرحله فرهنگ‌پذیری یا انطباق. در مرحله آخر فرد توانایی درک و پیش‌بینی رفتار دیگران را می‌یابد، می‌تواند رفتار خود را کنترل کند و تعاملات اجتماعی خود را تنظیم نماید؛ رسیدن به این مرحله هدف غایی برای یک مهاجرت موفق است.

روش پژوهش

فرا تحلیل به عنوان یک روش پژوهش با نگاه تراکمی به منظور ارائه تصویری نسبتاً روشن از دانش تولید شده در یک حوزه صورت می‌گیرد که تقریباً شبیه به یک نظرسنجی است؛ هر چند که جامعه آماری شامل ادبیات پژوهش هستند و نه مردم. فرا تحلیل کیفی برخلاف فرا تحلیل کمی جنبه استنباطی دارد و با بهره‌گیری از روشهای آماری به ادغام نتایج پژوهش‌های مختلف در یک حوزه به منظور دستیابی به نتایج کاربردیتر اقدام می‌کند، بیشتر از آمارهای توصیفی استفاده می‌کند. به طور کلی فرا تحلیل کیفی زمانی استفاده می‌شود که محقق به دنبال ادراک جامع‌تر نسبت به چرایی موضوع است و جنبه‌های توصیفی و تحلیل محتوای تولید شده بیش از ابعاد کمی مدنظر باشد. در رویکرد کیفی به فرا تحلیل، نتایج با یکدیگر ترکیب شده و روابط تازه‌ای میان پدیده‌های اجتماعی عیان می‌گردد (گلس ۱۹۷۶).^۲ در روش فرا تحلیل دو رویکرد وجود دارد: رویکرد ادغامی و رویکرد تفسیری. رویکرد ادغامی صبغه کمی دارد و به دنبال خلاصه کردن داده پژوهش‌ها به صورت آماری می‌باشد در حالی که در رویکرد تفسیری هدف تراکم داده‌ها نیست بلکه هدف توسعه مفاهیم و ارائه

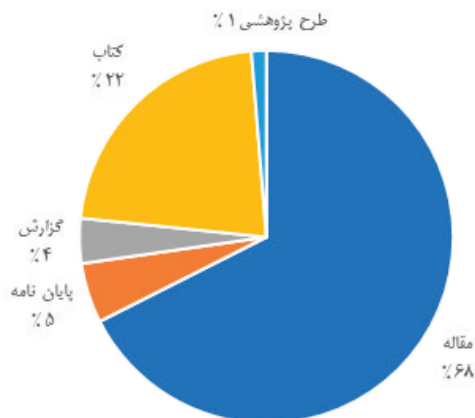
1. Lysgaard
2. Glass

تفسیری نو در موضوع مورد پژوهش است. رویکرد مقاله پیشرو بر رویکرد تفسیری استوار است.

در این پژوهش برای گردآوری محتوای تولید شده در خصوص مهاجرت تحصیل کردگان ایرانی پژوهش‌های مختلفی در قالب کتاب، مقاله، پایان نامه، گزارش سیاستی درگاه‌های فارسی و انگلیسی مورد واکاوی قرار گرفت. برای شناسایی پایان نامه‌های موجود به پایگاه ایرانداک مراجعه و لیست اولیه مطالعات تهیه شد. در مرحله بعد با استفاده از کلید واژگانی همچون مهاجرت تحصیلی، فرار مغزها، نخبگان، زنان تحصیل کرده، دیاسپورا، جنسیت و فراملی‌گرایی در پایگاه‌های اطلاعاتی داخلی از طریق سایت مگیران، پرتال جامع علوم انسانی، SID، وبگاه نورمگز تمامی مطالب گردآوری شد. پروژه‌های مراکز پژوهشی همچون رصدخانه مهاجرت ایران، دفتر تعاملات بین‌المللی معاونت علمی ریاست جمهوری، مرکز پژوهش‌های مجلس و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران مورد بررسی قرار گرفت.

فرایند جستجوی اسناد مطابق با پروتکل بعد از مطالعه عنوان از تکنیک بررسی سریع چکیده استفاده شد که در این مرحله تعداد زیادی از اسناد غربال شدند. این غربال‌گری طی چند مرحله و براساس کنکاش و مطالعه بخش‌های روش، یافته‌ها، بحث و نتیجه‌گیری ادامه داشت. موارد غربال شده به دلایل مختلفی حذف شدند از جمله: ژورنالیستی و خبری بودن مطالب، لحاظ نکردن مهاجرت تحصیل کردگان، عدم گزارش اطلاعات تفکیکی، وجود چالش‌های روش شناختی، عدم توجه به ابعاد بین‌المللی مهاجرت و یا نظری بودن بیش از حد متن.

یافته‌های توصیفی فراتحلیل



نمودار ۱. درصد فراوانی اسناد براساس نوع پژوهش

در این پژوهش ۱۵۴ سند در حوزه مهاجرت تحصیل‌کردگان مورد بررسی قرار داده است که جزئیات آن در مجموعه‌ای از جداول و اشکال تحلیل ثانویه خواهد شد.

جدول ۱. توزیع فراوانی پژوهش براساس زبان نوشتار

زبان	فراوانی	فراوانی درصدی
فارسی	۹۱	۵۹,۱%
انگلیسی	۶۳	۴۰,۹%

در فراتحلیل پیشرو تلاش شد تا به منظور کاهش سوگیری در تحلیل ثانویه و ارائه تصویری نسبتاً جامع از محتوای تولید شده در خصوص مهاجرت تحصیل‌کردگان تولیدات پژوهشگران داخل و خارج از کشور به صورت موازی پوشش داده شود. یکی از دلایل اصلی بالاتر بودن سهم زبان فارسی در اسناد مورد مطالعه لحاظ کردن فاکتور نهاد آموزش عالی در فرایند جستجو بوده که در پژوهش‌های داخلی تمرکز بیشتری در این حوزه صورت گرفته بوده است.

جدول ۲. توزیع فراوانی پژوهش براساس استفاده از کلیدواژه‌گان حساس به جنسیت در عنوان

کلیدواژه در عنوان	فراوانی
زنان	۱۲ فارسی، ۲۱ مورد لاتین
مردان	۰
جنسیت	۶ فارسی، ۱۵ لاتین

وقتی از منظر جنسیت به یک مفهوم نگریسته می‌شود می‌بایست مسائل برای هر دو جنس مورد مذاقه قرار گیرد. به نظر می‌رسد پژوهش‌های مورد مطالعه یا نسبت به جنسیت خنثی هستند و یا اگر هم حساس به جنسیت نگارش شده، فقط بر زنان متمرکز بودند. از مجموع ۱۰ اثر که از واژه زن/زنان در عنوان استفاده شده دو رکورد به صورت عام به موضوع زنان پرداخته‌اند (مشفق و خزایی ۱۳۹۴) که اغلب بر وضعیت زنان در آموزش عالی متمرکز بوده‌اند و نه مهاجرت تحصیلی. همان‌طور که کبیر^۱ (۱۹۹۴، ۳۰۳) اشاره می‌کند ارتباط سترگی بین نحوه فکر کردن محقق و روش انجام دادن تحقیق وجود دارد. از این منظر باید گفت به هر اندازه ذهن محقق حساس به جنسیت باشد در فرایند جمع‌آوری داده و تحلیل

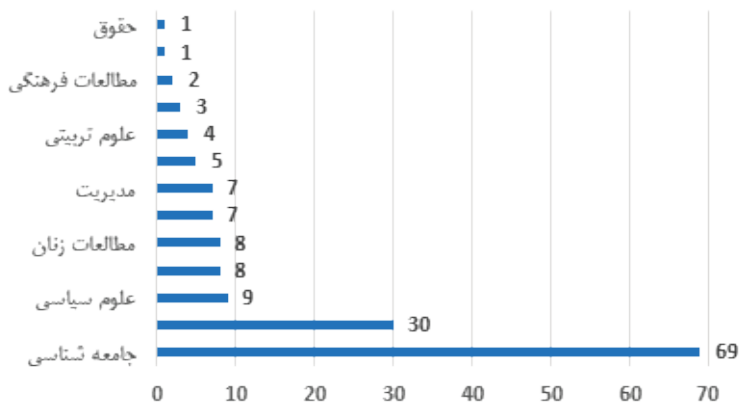
1. Kabeer

نهایی کاملاً در این بستر حساس به جنسیت قلم خواهد زد. براساس فراتحلیل صورت گرفته غالب اسناد تولید شده در داخل کشور فاقد قلمی حساس به جنسیت بوده‌اند و آن را صرفاً در حد متغیری حاشیه‌ای به منظور تفکیک زن و مرد در آمار پیمایش خود ثبت کرده‌اند و از بیان تفاوت در جنس فراتر نرفته‌اند.

از لحاظ داشتن نقش فعال یا منفعل در فرایند مهاجرتی نتایج مطالعه نشان داد که مردان نقش فعال‌تری نسبت به زنان دارند که براساس ملاحظات جنسیتی کشور فرستنده قابل تحلیل است. در ایران فشارهای هنجاری برساخت کننده نقش نان آوری و تأمیندهی مردانه و نبود چشم اندازی روشن در بازار کار می‌تواند از مهم‌ترین محرکهای خروج از کشور باشد؛ تأثیر سیاست‌های جنسیتی همچون الزام به انجام نظام وظیفه (سربازی) نیز در این تمایل مؤثر مؤثر است.

در بخش برونکوچی اسناد متعدد نشان میدهند که مردان مجرد تحصیل کرده بیشتر از زنان تمایل/اقدام به مهاجرت دارند. در بخش دیاسپورا هم اسناد مختلف نشان دادند که زنان مشارکت بیشتری در بحث وجوه ارسالی به کشور مبدا دارند. از سوی دیگر تجربه مهاجرت حتی بر سکسوالیته افراد تأثیر مستقیم می‌گذارد؛ همچنین دختران مهاجر به دلیل تغییر سبک زندگی و سبک پوشش بحران هویتی بیشتری را نسبت به پسران تجربه می‌کنند و سطح بالاتری از استروسورهای فرهنگ‌پذیری را تجربه می‌کنند. در بخش بازگشت هم اگر چه پژوهش‌های محدودی صورت گرفته است زنان تحصیل کرده بیشتر از مردان به دنبال دریافت اقامت دائم در کشور میزبان هستند و نرخ بازگشت پایینتری دارند (هنسن ۲۰۰۸). در فرایند بازادغام در جامعه مبدأ نیز مردان اغلب با چالشهای اقتصادی مواجه هستند ولی فرایند بازادغام فرهنگی زنان ایرانی به صورت مضاعفی سخت‌تر تجربه می‌شود؛ زیرا تجربه مهاجرتی زنان همواره به عنوان یک شمشیر داموکلس بر هویت حرفه ای زنان سایه انداخته است و در حوزه گزینشی ادارات دولتی همواره بروز جدی دارد.

قلمرو رشته‌های اسناد مورد مطالعه در موضوع مهاجرت تحصیل کردگان ماهیتی میان رشته‌ای دارد که رشته‌های مختلف از منظرهای متنوع به آن نگرستانه‌اند. این امر در نمودار ۲ که بازه رشته‌های فراتحلیل پیش رو را نشان می‌دهد بازنمایی شده است:



نمودار ۲. توزیع درصدی قلمرو رشته‌های اسناد مورد مطالعه

یکی از بهترین بسترهای فهم میان ذهنیت تحصیل‌کردگان در بحث مهاجرت‌های بین‌المللی حوزه مطالعات فرهنگی (هاشمی و صدیقی ۱۳۹۷) و مردم‌شناسی (برتل ۲۰۱۶) بود. به نظر می‌رسد رویکردهای نظری این دو حوزه قابلیت بالایی در تحلیل موقعیت آستانه‌های احساس پادروایی^۲ و تعلیق سوژه‌های دانشگاهی مهاجر را داشت. به ویژه مفروض این پژوهش براین اساس استوار شده است که تمایل/اقدام سوژه دانشگاهی به کاهش تعلق آکادمیک فرد منجر می‌شود و در سطحی کلان تعلق اجتماعی سوژه را نیز کاهش می‌دهد. این دو حوزه بحث مهاجران بالقوه را نیز در دستور کار خود قرار داده‌اند.

مطالعات مهاجرتی در ۳ سطح (کلان، میانی و خرد) صورت‌بندی می‌شود. بیشتر پژوهش‌ها در داخل کشور از منظر جامعه‌شناختی به موضوع مهاجرت پرداخته و بر سطح کلان تمرکز داشته‌اند؛ در صورتی که سطح میانی (تحلیل شبکه‌ها مؤثر در مهاجرت) و سطح خرد (عاملیت سوژه مهاجر) نیز از اهمیت بسیاری برخوردار است. در مهاجرت تحصیل‌کردگان اگر رویکرد کلان نگر غالب باشد، پيشران رفتن دانشجویان و اساتید صبغه اقتصادی پررنگتری پیدا می‌کند و مطالعه مهاجران بالقوه کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد و اگر سطح خرد در اولویت باشد ابعاد روانشناختی فرهنگی و سبک زندگی افراد پررنگ می‌شود (قراشی ۲۰۰۳).

براساس یافته‌های این فراتحلیل از منظر متون حساس به جنسیت حوزه علوم سیاسی و جامعه‌شناسی از همه کمتر و مطالعات فرهنگی، مردم‌شناسی و مطالعات زنان از همه بیشتر بوده است. به نظر می‌رسد معرفت‌شناسی رشته‌ها در این امر نقش کلیدی دارد؛ کارویژه اصلی

1. Brettell
2. precarity
3. Ghorashi

حوزه مطالعات زنان فهم تجربه زیسته زنان در جامعه است. در خصوص رشته مردم‌شناسی و مطالعات فرهنگی نیز از آنجا که شنیدن صدای در حاشیه ماندگان، فرودستان و افراد و گروه‌های کمتر روایت شده در جامعه در اولویت پژوهشی آنها قرار دارد در متن تولید شده در این دو حوزه متغیر جنسیت به صورت پررنگی مشاهده می‌شود.

از سوی دیگر در بررسی‌های صورت گرفته بیشتر پژوهش‌هایی که سویه‌های جامعه شناختی، علوم سیاسی و اقتصاد داشتند بر نقش عوامل اقتصادی-معیشتی و همچنین سویه‌های امنیتی تأکید دارند. پژوهش‌های مردم‌شناختی و مطالعات فرهنگی و روان‌شناسی عوامل فرهنگی و فردی را هم مورد توجه بیشتری قرار داده‌اند. از سوی دیگر با توجه به لحاظ کردن الگوی مهاجرتی دانش‌آموزان المپیادی، برگزیدگان کنکور و کنشگران در بخش مهاجرت تحصیل‌کردگان در نهاد آموزش پرورش باید اشاره داشت که حوزه روانشناسی و مطالعات آموزشی علوم تربیتی سکندار اصلی مطالب تولید شده بودند (فلاحی، ۱۳۹۴).

حرکت جمعیت‌های انسانی یک فرایند چندوجهی است که در ادبیات نوین مهاجرت از آن به چرخه تحرک مکانی یاد می‌شود. در واقع برای داشتن نگاهی جامع به موضوع مهاجرت‌های بین‌المللی باید توجه داشت که اگرچه مطالعات کلاسیک نگاهی خطی به جریان تحرک مکانی داشته‌اند اما امروزه فرایند مهاجرت در چرخه‌های پویا قابل تحلیل است که از سه بخش برون کوچی، مطالعات دیاسپورا و بازگشت تشکیل می‌شود (سعیدی، ۱۴۰۱).



شکل ۲. چرخه تحرک مکانی

غالب پژوهش‌های صورت گرفته با تمرکز صرف بر نخستین بعد این چرخه (برون کوچی) صرفاً به اثرات منفی مهاجرت‌های بین‌المللی معطوف بوده و بر تأثیرات مخرب خروج متخصصان و تحصیل‌کردگان از کشور تأکید داشته‌اند. از این منظر مهاجرت نیروی انسانی تعادل جمعیتی را به هم می‌زند و باعث می‌شود تا توسعه پایدار برای کشورهای جنوب امری دست نیافتنی قلمداد شود.

جدول ۳. توزیع فراوانی پژوهش‌ها از منظر چرخه مهاجرت

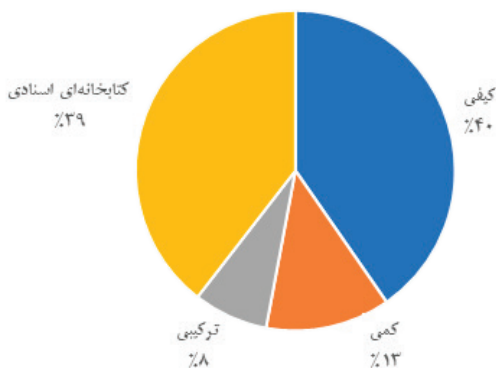
فراوانی	چرخه مهاجرت
فارسی: ۷۵ / لاتین: ۱۳	مطالعات برونکوچی
فارسی: ۱۱ / لاتین: ۳۵	مطالعات دیاسپورا
فارسی: ۴ / لاتین: ۷	مطالعات مهاجرت بازگشتی

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود بیشتر اسناد به دست آمده بر بخش برونکوچی متمرکز است. این رقم در آثار تولید شده در داخل کشور به شکل معناداری جهش داشته و ۷۸ درصد از محتوای تولید شده در آکادمیای داخل ایران بر محور فرار مغزها و برونکوچی استوار شده‌اند. از سوی دیگر حجم عمده مطالعات دیاسپورا توسط پژوهشگران خارج از ایران تولید شده است که از منظر دسترسی به میدان پژوهش منطقی به نظر می‌رسد اما نشان می‌دهد که مطالعات دیاسپورا هنوز جایگاه مناسبی در شبکه مطالعاتی پژوهشگران داخل کشور ندارد.

از سوی دیگر در اسناد معدود تولید شده در آکادمیای داخل کشور بر وجه نخبگی دیاسپورای ایرانی بسیار تأکید می‌شود در حالی که در محتوای تولید شده در بیرون از کشور نگاه همه جانبه‌نگرانه‌تری به دیاسپورای نامتجانس ایرانی می‌شود. در ادبیات به کار رفته در میان متون تولید شده داخل و خارج از کشور در خصوص موضوعی واحد (ایرانیان تحصیل کرده مهاجر) واژگان متفاوتی به کار بسته می‌شود. تبعید از جمله مهم‌ترین واژگانی است که محتوای اسناد تولید شده در خارج از کشور بر محور آن صورت‌بندی می‌شود که در اسناد تولید شده در داخل کشور محلی از اعراب ندارد. ناگفته پیداست که کلمات می‌توانند چه بار معنایی متفاوت و سنگینی در شکل‌دهی به متون داشته باشند و رویکرد نویسندگان را شکل می‌دهند. همچنین فقر منابع مستند در حوزه مهاجرت بازگشتی در ایران هم براساس یافته‌های این فراتحلیل کاملاً مشهود است.

اگرچه دیاسپورای ایرانی تکه تکه، پیچیده و متنوع است (سعیدی، ۱۳۹۸) اما وجه نخبگی پررنگی دارد. بر اساس آمارهای موجود اولین گروه شغلی در میان مهاجران ایرانی در کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی متخصصان هستند. از سوی دیگر تعداد متخصصین ایرانی در این کشورها از ۲۵ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۲۹/۶ درصد در سال ۲۰۱۵ افزایش یافته است. همچنین بین ۴۵ تا ۵۶ درصد جمعیت مهاجران ایرانی بالای ۲۵ سال دارای تحصیلات دانشگاهی بودند در حالی که نرخ متوسط افراد دارای تحصیلات دانشگاهی در کشورهای مذکور در سال ۲۰۱۸ میلادی برابر با ۳۶/۹ درصد بوده است (گزارش سازمان

همکاری و توسعه اقتصادی ۱۹۲۰). یکی از مهم‌ترین مواردی که به ویژه در اسناد تولید شده در آکادمیای داخل کشور مشهود بود تمرکز پژوهش‌ها بر سنجش گرایش متخصصان داخل کشور به مهاجرت بوده است. بنابراین پژوهش‌های انگشت شماری به متخصصان مهاجرت کرده پرداخته و این از جمله خلاهای مطالعاتی در حوزه مهاجرت‌های بین‌المللی است.



نمودار ۳. فراوانی درصدی روش به کار رفته در اسناد فراتحلیلی

از جمله مهم‌ترین نقاط مغفول در اسناد مورد مطالعه نبود مطالعات و پیمایش‌های طولی در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی درباره مهاجرت‌های تحصیلی فرامرزی است که با توجه به اینکه به منابع مالی زیادی نیازمند است اغلب از اولویت پژوهشی مراکز تحقیقاتی خارج شده، هرچند که برای فهم جامع‌تر موضوع مهاجرت تحصیل‌کردگان ضروری است. همچنین پژوهش‌هایی که به شیوه ترکیبی انجام شده باشد نیز رقم پایینی را نشان می‌دهد؛ امروزه علوم اجتماعی در عرصه بین‌المللی تمایل زیادی به سمت استفاده همزمان از روش‌های کمی و کیفی در داده‌کاوی و تحلیل موضوعات انسانی دارد، زیرا به گسترش دامنه فهم از چالش‌ها منجر می‌شود. به نظر می‌رسد پژوهشگران داخل کشور می‌بایست در مطالعه مهاجرت‌های بین‌المللی به طور عام و الگوهای مهاجرتی تحصیل‌کردگان به طور خاص روش تحقیق ترکیبی را بیش از پیش در اولویت کاری خود قرار دهند.

جدول ۴. توزیع فراوانی پژوهش‌ها براساس جامعه آماری

فراوانی درصدی	فراوانی	جغرافیا
۵۴,۳٪	۶۳	داخل ایران
۲۳,۳٪	۲۷	ایرانیان در دیاسپورا
۲۲,۴	۲۶	غیرایرانیان

یکی از مهم‌ترین نکاتی که در مشاهده منابع تولید داخل کشور و بیرون از ایران ملموس بود نحوه کاربست روش کمی و کیفی در متن سند است. پژوهش‌هایی که با روش کمی در ایران تولید شده‌اند بر محوریت پیمایش قالب نوشتاری تقریباً یکسانی را به ویژه در مقالات علمی پژوهشی رعایت می‌کنند که با ذکر جزئیات آماری همراه است. در پژوهش‌های کیفی نیز قالب نوشتاری مقالات از اسلوب تقریباً مشابهی برخوردار است که در حالی که در بسیاری از اسناد مورد مطالعه که خارج از ایران تولید شده‌اند تعداد مصاحبه‌ها، بخش مجزایی تحت عنوان ملاحظات نظری وجود ندارد. این نکته در تحلیل وضعیت آشفستگی روش‌شناختی در آکادمیای داخل کشور قابل تحلیل است؛ گویی محقق بیشتر از آنکه به تحلیل و تعمیق داده‌های به دست آمده در روند پژوهش متمرکز باشد وقت خود را صرف بیان نظریات اغلب یکسان، ذکر تعداد مصاحبه و طول مدت مصاحبه و اطلاعاتی از این دست می‌کند.

از سوی دیگر عدم تعامل نویسندگان داخل و خارج از کشور است که در رفرنس دهی درون متنی اسناد مورد مطالعه به وضوح دیده می‌شود. به نظر می‌رسد آکادمیای ایرانیان داخل کشور و ایرانیان دیاسپورا از انقطاع تعاملی وسیعی رنج می‌برند. همچنین محققان غیرایرانی نیز به جز موارد بسیار معدودی به داده‌های تولید شده توسط محققان داخل کشور رفرنس نداده‌اند که جای تأمل جدی دارد. این انقطاع تعامل علمی بین دو میدان داخل و خارج از کشور در حوزه مهاجرت‌های بین‌المللی بیش از آنکه ناشی از مسائل بوروکراتیک باشد ناشی از عدم اعتماد، امنیتی کردن حوزه مهاجرت و نبود آزادی آکادمیک است.

جدول ۵. توزیع فراوانی پژوهش‌ها بر اساس سال انجام پژوهش

فراوانی	دهه انجام پژوهش
۰	دهه ۶۰ شمسی
۰	دهه ۷۰ شمسی
۳۲	دهه ۸۰ شمسی
۵۹	دهه ۹۰ شمسی

جدول ۵ نشان می‌دهد غالب محتوای تولید شده در دهه ۷۰ و ۶۰ شمسی در مجلات ترویجی منتشر و یا صیغه رسانهای داشته و کمتر مبتنی بر استنادات آماری و میدانی بوده است بنابراین در این پژوهش لحاظ نشده است. از سوی دیگر اسناد مورد مطالعه در دهه ۸۰ به صورت گسترده بر محور واژگانی چون فرار مغزها و فرار متخصصان بنا شده‌اند در حالی که مطالب تولید شده در دهه ۹۰ شمسی از تنوع واژگانی بالاتری برخوردار هستند و سویه‌های فراملی‌گرایانه مهاجرت تحصیل‌کردگان به تدریج به ویژه در آثاری که از نیمه دوم دهه ۹۰

تولید شده است قابل رصد هستند. این نشان می‌دهد که فرایند تدریجی گسترش مطالعه تمام ابعاد مهاجرت‌های بین‌المللی به تدریج در نظام دانشگاهی داخل کشور ورود پیدا کرده است هرچند در قیاس با اسناد تولید شده در خارج از کشور همچنان نسبت به بخش دوم و سوم چرخه تحرک‌مکانی کم اعتنا هستند.

با توجه به میان رشته‌های بودن حوزه مهاجرت‌های بین‌المللی رویکردهای نظری متنوعی به موضوع وجود دارد که در جدول ۶ و شکل ۳ به آن اشاره شده است.

جدول ۶. توزیع فراوانی پژوهش‌ها بر اساس نظریات مورد استفاده

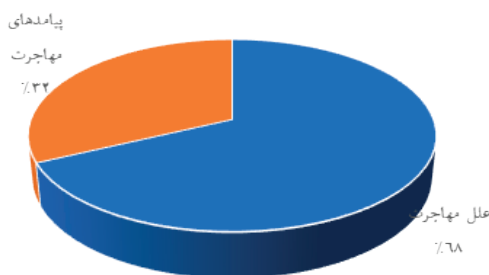
نظریات مورد استناد	فراوانی	فراوانی درصدی
نظریه جاذبه دافعه	۵۱	۲۷,۴
نظریات شبکه	۲۶	۱۴,۰
نظریه کاسارینو	۲	۱,۱
نظریات فمینیستی	۱۸	۹,۷
نظریات فرهنگ پذیری	۱۳	۷,۰
فاقد نظریه	۷۶	۴۰,۹

نظریات متعددی به صورت موردی استفاده شده‌اند در جدول ۸ صرفاً نظریاتی که بیشترین تکرار را در رکوردها داشته‌اند ذکر شده است. در شکل ۳ لیستی از نظریات استفاده شده در اسناد مورد مطالعه که به صورت موردی مطرح شده آورده شده است:

نظریات مورد استفاده در مطالعات مهاجرت بین‌المللی
• نظریه نظام جهانی والرش‌تاین
• مدل چرخش مغزها
• نظریات جهانی شدن
• مدل نظری تینتو
• نظریه محرومیت نسبی
• بازار دوگانه
• نظریه چرخش مغزها
• نظریه بحران منزلت
• نظریه اجتماعات پژوهشی
• نظریه نظام آموزشی اقتباسی
• نظریه سرمایه بورديو
• نظریه داوانزو
• نظریات گیدنز، فیش باین، آلتباخ، ملوین سیمن
• رهیافت پاتل دیتا متوازن
• نظریه کاشت
• مدل انگیزه‌های فرهنگ پذیری
• نگرش سیستمی

شکل ۳. نظریات مورد استفاده در مطالعات مهاجرت‌های بین‌المللی

در بخش جهتگیری موضوعی دو محور مشخص شده است: علل مؤثر بر تمایل/اقدام به مهاجرت و پیامدهای مهاجرت تحصیل کردگان که همانطور که در نمودار ۴ دیده می‌شود تمرکز بیشتر پژوهش‌ها بر علل مهاجرت بوده است. این نکته به ویژه در پژوهش‌های تولید شده در آکادمیای داخل کشور به صورت بارزی نمود دارد و بیشتر آنها بر علل مهاجرت تأکید دارند تا بیان و تحلیل پیامدهای این حرکت. نتایج این پژوهش نشان داد که عمده متون تولید شده به دنبال تبیین علل مهاجرت نخبگان بوده‌اند تا بررسی راههای بازگشت و جذب نخبگان. بنابراین با توجه به اطلاعات اندک در این بخش نیاز است که پژوهش‌های آینده به بررسی شیوههای بازگشت و همینطور حفظ متخصصان توجه داشته باشند.



نمودار ۴. توزیع فراوانی پژوهش‌ها بر اساس جهتگیری موضوعی

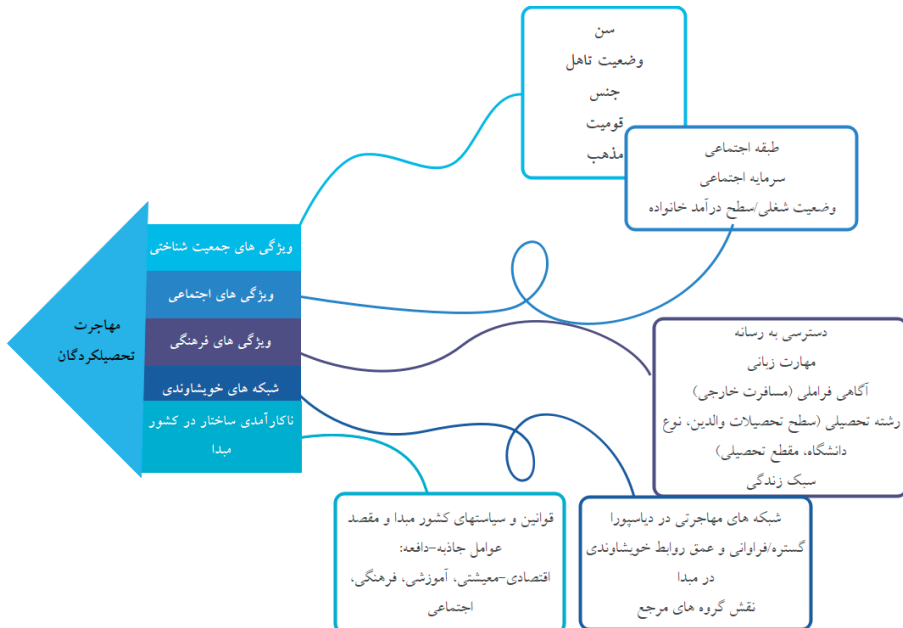
عوامل مختلفی در تمایل/اقدام به مهاجرت تحصیل کردگان مؤثر مؤثر است و در جدول ۷ بر اساس بازخوانی اسناد این عوامل در ۵ دسته عوامل آموزشی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آورده شده است:

جدول ۷. عوامل مؤثر بر برونکوچی تحصیل کردگان در ایران

دسته بندی عوامل مؤثر بر برونکوچی تحصیل کردگان در ایران	
عوامل آموزشی	توذهای شدن آموزش عالی، امکانات آموزشی با کیفیت پایین و دسترسی نداشتن به امکانات پیشرفته تحقیقاتی، دسترسی نامناسب به اینترنت و شبکه‌های جهانی، کمبود تعامل دوسویه با آکادمیای جهانی، نبود احترام عمومی برای افراد تحصیل کرده در جامعه، نبود امکانات علمی پژوهشی و آزمایشگاهی، کمبود اساتید متخصص، وجود ریزتبعیضها در نظام دانشگاهی، ارتباط نامناسب صنعت/جامعه با دانشگاه، آزمونهای صعب ورودی به نهاد دانشگاه، ضعف برنامه درسی دانشگاه در تقویت زبانهای بین‌المللی، نبود توجه اجتماعی به ارزش‌های علمی، نبود تسهیلات لازم برای پژوهش، غلبه کمیگرایی در ترفیع و ارتقا در نهاد دانشگاه، رشد کمی آموزش عالی و نداشتن توازن با نیازها و ظرفیت بازار کار، نبود امکانات مناسب در دانشگاه
عوامل سیاسی	بوروکراسی فربه و متشتت، نارضایتی از عملکرد دولت، گزینش‌های سیاسی و ایدئولوژیک، احساس ناامنی سیاسی، ضعف در حقوق سیاسی، فشارهای سیاسی، پارتی بازی، ضعف در استقلال دانشگاه، نگاه امنیتی به متخصصان ایرانی در دیاسپورا، ضعف آزادی مدنی، نبود آزادی بیان، نبود احزاب سیاسی کارآمد، بی‌اعتمادی سیاسی، وضعیت متشنج منطقه‌ای

<p>انفجار انتظاراتی جامعه به دلیل افزایش آگاهی، فشار هنجاری، عدم عاملیت در انتخاب سبک زندگی، الزامات پوششی، فشارهای عرفی پنهان بر گروه‌هایی همچون دختران مجرد، زنان مطلقه و متاهلان فاقد فرزند، محدودیت زنان در انتخاب برخی از رشته‌های تحصیلی خاص و محدودیت آزادی فردی</p>	<p>عوامل فرهنگی</p>
<p>فقدان آینده شغلی مطمئن و بامنزلت، دغدغه آینده فرزندان، حذف پارانها های دولتی در آموزش رایگان، نظام آموزشی ناکارآمد، رشد کمی آموزش عالی و نداشتن توازن با ظرفیتهای بازار کار، عدم ثبات سیاست‌ها و مدیرتعلیمی، عدم توجه به منزلت اصحاب علم، نابرابریهای جنسیتی در دسترسی به منابع موجود، نابرابری جنسیتی در دسترسی به منابع موجود، الزام نظام وظیفه (سربازی)، فقدان شایسته سالاری، عدم موفقیت در روند توسعه، احساس محرومیت نسبی، رابطه محوری به جای ضابطهمحوری، فقدان آزادی یا عدم احترام به حقوق شهروندی و یا نظام اداری بوروکراتیک سازمانها، کوچک شدن شبکه‌های تعاملی افراد به دلیل مهاجرت اعضا، پایین بودن امید اجتماعی، ضعف مدیریت منابع انسانی، کنکور و آزمونهای ورودی، شکاف طبقاتی، انفعال هویتی نسل جوان، نبود امکان بروز هویت شخصی، شکاف اجتماعی</p>	<p>عوامل اجتماعی</p>
<p>دسترسی نامناسب به منابع، پایین بودن و عدم تعادل حقوق و دستمزد با تورم و هزینه‌های زندگی، بیکاری، نبود توزیع عادلانه ثروت، هزینه‌های حمل و نقل، اشباع بودن بازار کار، نبود نظام مالیاتی مناسب، ضعف در کیفیت خدمات اقتصادی: نبود رقابت سالم اقتصادی، نبود فرصت ارتقای شغلی، عدم تجانس مدرک تحصیلی با نیازهای بازار کار، بیثباتی اقتصادی، نبود چشم انداز روشن در بهبود وضعیت معیشتی، بحران ارز</p>	<p>عوامل اقتصادی</p>

در این راستا فراتحلیل اسناد مورد مطالعه مدل مفهومی عوامل مؤثر بر مهاجرت تحصیل‌کردگان را در شکل ۴ به تصویر می‌کشد:



شکل ۴. مدل مفهومی عوامل مؤثر بر مهاجرت تحصیل‌کردگان

براساس فراتحلیل صورت گرفته تمرکز پژوهش‌های انجام شده در خصوص مهاجرت تحصیل‌کردگان در داخل کشور بر ابعاد اقتصادی، معیشتی و نهادی آموزشی است، در حالیکه پژوهش‌های صورت گرفته در خارج از ایران بر عوامل فرهنگی سیاسی و فردی را بیشتر تمرکز می‌کنند به ویژه انگیزه‌های دستیابی به بستری متفاوت برای سبک زندگی (فراهانی ۲۰۱۰) و یا رهایی از سیستم‌های پدرسالارانه. همچنین نقش رسانه‌های جمعی در تقویت اشتیاق به رفتن به ویژه با گسترش فناوری‌های نوین و افزایش دسترسی به فضای مجازی به عنوان عامل مهمی در تقویت تمایل/اقدام به مهاجرت تحصیل‌کردگان ذکر شده است (مک آلیف، ۲۰۱۶؛ هاشمی، ۲۰۰۶).

در خصوص پیامدهای مهاجرت تحصیل‌کردگان اگرچه تمرکز کمتر از یک سوم اسناد بر این محور بوده است، اما مجموعه‌ای از مطالب به عنوان آثار منفی و مثبت این نوع تحرک مکانی در لابلای مطالب منتشر شده ذکر شده که به شکلی منسجم در چهار محور پیامدهای اقتصادی، پیامدهای سیاسی-امنیتی، پیامدهای اجتماعی-فرهنگی و پیامدهای آموزشی-علمی در جدول ۸ ترسیم شده است:

جدول ۸. پیامدهای مهاجرت تحصیل‌کردگان

پیامدهای مهاجرت تحصیل‌کردگان	
پیامدهای اقتصادی	تأثیر وجوه ارسالی بر توسعه زادگاهی، استفاده از ظرفیت مالی-تجاری دیاسپورای متخصص ایرانی، هدررفت ارائه خدمات آموزشی رایگان به افراد در غالب مدارس و دانشگاه‌های دولتی، خروج ارز از کشور، هدررفت هزینه‌های صندلی دانشجویان یا استاد مشغول به تحصیل/کار
پیامدهای آموزشی-علمی	کاهش احساس تعلق آکادمیک، کاهش احساس تعلق اجتماعی به وطن، افزایش سطح مهارت و دانش افراد به واسطه قرار گرفتن در چرخه علم افزایش مهارت زبانی، استفاده از ظرفیتهای کشور مقصد در توسعه زادگاهی، توسعه تعاملات آکادمیک با دیاسپورای متخصص ایرانی، بهره‌مندی از جریانهای دانشی و اطلاعاتی
پیامدهای امنیتی-سیاسی	تقویت کنشگری در دیپلماسی دیاسپورا، تقویت شبکه‌های اپوزیسیون
پیامدهای اجتماعی-فرهنگی	کاهش جمعیت متخصص و زن نخبگی، تقویت تعاملات بین فرهنگی، از دست دادن سرمایه‌های اجتماعی و انسانی کشور، از دست رفتن ارتباط مهاجر با جامعه بومی

1. Farahani
2. McAuliffe
3. Hashemi

نتیجه‌گیری

بی‌شک مطالعه الگوهای مهاجرتی جامعه ایران به ویژه تحصیل‌کردگان در دوران معاصر یکی از مهم‌ترین الزامات پژوهشی در راستای منافع ملی است و در نتیجه فراتحلیل پژوهش‌های تولید شده در این حوزه موارد زیر نیازمند توجه بیشتر است.

در بحث مهاجرت تحصیل‌کردگان در نهاد آموزش و پرورش و پرورشگاه تمرکز بر خروج برگزیدگان المپیاد و کنکور است غالب پژوهش‌های صورت گرفته اگرچه بیشتر در دنیای رسانه‌های جمعی و ژورنالیسم تولید شده است؛ اما مواردی از منظر علوم تربیتی و روانشناختی تدوین شده است و جای خالی مطالعه با لنز مطالعات فرهنگی، مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی بسیار مشهود است؛ پژوهش‌هایی که لایه‌های زیرین حرکت‌های مهاجرتی دانش‌آموزی را واکاوی کنند و سطح تحقیق را از مطالعه فرد به مطالعه ساختار و شبکه‌ها گسترش دهند.

در خصوص تمرکز محتوایی پژوهش‌ها بر فربه بودن ابعاد اقتصادی به عنوان مهم‌ترین انگیزه مهاجرت است. فراتحلیل صورت گرفته نشان می‌دهد که اسناد تولید شده در داخل کشور نیروی محرکه اصلی مهاجرت تحصیل‌کردگان به خارج از کشور را مسائل و چالش‌های اقتصادی برشمرده‌اند این در حالی است که پژوهش‌های صورت گرفته در آکادمیای خارج از کشور وزن بیشتری به چالش‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی داده‌اند.

یکی دیگر از مهم‌ترین مسائلی که در اسناد مورد مطالعه مغفول مانده بحث اقتصاد سیاسی مهاجرت تحصیل‌کردگان ایران است. شناخت شبکه‌های از عوامل، افراد و گروه‌ها که در تقویت/اقدام به مهاجرت نقش آفرین است می‌تواند لایه‌های مستور این فرایند را روشنتر نماید. نقش مؤسسات مهاجرتی داخلی و بین‌المللی، اساتید دانشگاه و اقتصاد بزرگی که در جریان درخواست پذیرش برای ادامه تحصیل در جریان است در کنار بی‌ثباتی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی کشور و منطقه محرک‌های جدی در تقویت جریان‌های برونکوچی و دستانداز بازگشت می‌باشد.

یکی دیگر از حوزه‌هایی که در مطالعات مهاجرت تحصیلی و مهاجرت تحصیل‌کردگان به ویژه در آکادمیای داخل ایران مغفول مانده است بحث غیرمکانی شدن در ادبیات مهاجرت است. به نظر می‌رسد همچنان در نوشتار محققین داخلی نگاهی کلاسیک به جابجایی‌های فرامرزی وجود دارد و می‌بایست مفاهیم جدیدی که معطوف به تغییر بافت چرخه مهاجرت است به این حوزه مطالعاتی وارد شود.

از سوی دیگر بحث گزینشی عمل کردن مهاجرت هم در اسناد تولید شده ذکر نشده بود؛ در نگاه تقاطع‌گرایانه به مهاجرت در کنار ضلع جنسیتی می‌توان اضلاع دیگری همچون طبقه را وارد کرد. در فحوای عمومی جامعه، مهاجرت به ویژه به غرب تداویگر نوعی برتری طبقاتی

است. در مصاحبه‌های صورت گرفته در پژوهش سعیدی (۲۰۲۱) در میان دانشجویان، مهاجرت تحصیلی امر مختص به بچه پولدارها تعریف می‌شود چراکه فرایند آماده سازی برای رفتن عمدتاً فرایندی پر هزینه است. ثبت نام در کلاس زبان، هزینه آزمون زبان آیلتس یا تافل، آزمون‌ها متعدد پیشامهاجرتی مانند آزمون GRE و همچنین هزینه‌های درخواست پذیرش و ثبت نام در دانشگاه‌های مقصد نیاز به سرمایه اقتصادی دارد که در شرایط پساتحریم دیگر امری عمومی نیست و به زعم بوردیو می‌تواند فعالیتی متعلق به طبقه صاحب سرمایه قلمداد شود.

براساس فراتحلیل اسناد مورد مطالعه راهکارهای پیشنهادی پژوهش‌ها را می‌توان در ابعاد اجتماعی، سیاسی، آموزشی، فرهنگی و اقتصادی تقسیم نمود که در جدول ۹ نمونه‌هایی از آن آورده شده است؛ نکته قابل ذکر آن است که مشابهت بسیار زیادی در میان راهکارهای ارائه شده وجود دارد و از سوی دیگر عمده پیشنهادات با توجه به شرایط کشور سویه‌های نظری و به نوعی انتزاعی دارد و پیشنهادات سیاستی و عملیاتی انگشت شمار بوده است.

جدول ۹. راهکارهای پیشنهادی به منظور کاهش مهاجرت تحصیل کردگان

ابعاد	راهکارهای پیشنهادی
اجتماعی	<ul style="list-style-type: none"> ❖ تقویت منزلت جایگاه سوژه دانشگاهی در کشور ❖ تقویت احساس تعلق اجتماعی در میان دانشجویان نسبت به وطن ❖ حاکمیت شایسته‌سالاری ❖ تلطیف و مناسب سازی محیط‌های کاری برای متخصصان ❖ ارتقای کیفی سطح خدمات رفاهی، بهداشتی و ورزشی ❖ ایجاد ثبات و آرامش و نهادینه کردن قانونگرایی
سیاسی	<ul style="list-style-type: none"> ❖ ترمیم ساختار مدیریتی کشور در جهت تحقق نقشه جامع علمی کشور ❖ ایجاد فضای کنشگری سیاسی-اجتماعی در بستر انجمن‌های صنفی دانشگاهی ❖ تقویت احساس امنیت روانی و جانی در میان ذهنیت ایرانیان در دیاسپورا برای حضور در کشور ❖ تلاش برای صیانت و حفاظت از شان و جایگاه متخصصان اصحاب اندیشه و قلم و گسترش چتر امنیتی برای متخصصان ایرانی
آموزشی	<ul style="list-style-type: none"> ❖ تدوین بانک اطلاعاتی از تعداد، تخصص سوژه‌های دانشگاهی در داخل و خارج از کشور ❖ از بین بردن تبلیغات و امتیازاتی که میان فارغالتحصیلان داخل و خارج از کشور اعمال می‌گردد ❖ کاستن از توسعه نامتوازن برخی رشته‌ها در مقایسه با دیگر رشته‌ها ❖ برگزاری سمینارها و همایش‌های بین‌المللی با مشارکت متخصصان ایرانی در دیاسپورا ❖ فراخوان گسترده متخصصان ایرانی مقیم خارج از کشور برای مشارکت در برنامه‌های آموزشی در دانشگاه‌ها یا اجرای دوره‌های آموزشی-علمی-کاربردی در داخل کشور به منظور انتقال دانش، فن و تجربه ایرانیان مهاجر و تقویت حس همدلی و مشارکت با سرزمین مادری ❖ تقویت مؤسسات حامی نوآوری‌ها همچون پارک‌های علم و فناوری، پشتیبانی مالی، تجهیزات و امکانات رفاهی و اقتصادی برای حمایت از پژوهشگران و دانشگاهیان ❖ پیوند مناسب بین دانشگاه با صنعت، بخش خصوصی و دستگاه‌های اجرایی به منظور کاربردی کردن آموخته‌های دانشگاهی و علمی کردن فرایندهای تصمیم‌گیری و مدیریتی از سوی دیگر

<ul style="list-style-type: none"> ❖ سیاست‌گذاری دقیق در خصوص ایجاد تعادل بین تحصیلات، بازار کار و سطح درآمد ❖ بهبود وضعیت رفاهی-معیشتی سوزده‌های دانشگاهی ❖ افزایش بودجه پژوهشی در بودجه عمومی کشور ❖ افزایش کمی و کیفی سطح تعامل با متخصصان در دیاسپورای ایرانی به منظور امکان‌سنجی و بستر سازی زمینه اشتغال متخصصان ایرانی مقیم کشور در فعالیتهای پژوهشی، آموزشی و اجرایی بین‌المللی ❖ یکپارچه سازی بررسی ظرفیتها و نیازهای تخصصی بازار کار و تولید در بخش دولتی و غیر دولتی از یکسو و الزامات حضور در عرصه علمی، پژوهشی و فناوریانه منطقه‌ای و جهانی از سوی دیگر جهت تنظیم فرایند جذب، تربیت و عرضه نیروی متخصص در کشور 	اقتصادی
<ul style="list-style-type: none"> ❖ تبدیل سرمایه انسانی به سرمایه پیوندی ❖ تعدیل مقررات گزینش عقیدتی و سیاسی جذب نیروی متخصص در بازار کار ❖ رفع احساس از خودبیگانگی در دانشمندان جوان و ارتقا کنشگری آنان در سطح اجتماعی ❖ تقویت اجتماعات علمی در میان متخصصان ❖ افزایش سیاست‌گذاری آموزش عالی براساس اصول دوستدار خانواده 	فرهنگی

در تحلیل راهکارهای پیشنهادی اسناد مورد مطالعه به چند نکته باید اشاره کرد: بسیاری از پژوهش‌های مورد مطالعه پیشنهادی برای بهبود وضعیت ارائه نکرده و فقط به توصیف وضعیت موجود پرداخته‌اند. دسته دیگری از اسناد که در بخشی مجزا به ارائه راهکارهای پیشنهادی پرداخته‌اند اکثر راهکارهای پیشنهادی مستخرج از داده‌های پژوهش نیست، در قالبی کلی نوشته شده که اغلب موقعیت سیاسی-اجتماعی-اقتصادی زمان انتشار مقاله لحاظ نشده است. از سوی دیگر حتی در پژوهش‌های که با قلمی حساس به جنسیت نگاشته شده‌اند نیز در بخش راهکارهای پیشنهادی رویکردی خنثی نسبت به جنسیت اعمال شده است و مجدداً در بیانی کلی و انتزاعی به رشته تحریر درآمده است. از سوی دیگر اکثر راهکارها به دلیل کلی و انتزاعی بودن، قابلیت عملیاتی و اجرایی شدن ندارند و نمی‌تواند از سوی نهادهای سیاست‌گذار مورد استناد قرار بگیرد. یکی از مهم‌ترین دلایل این نقیصه می‌تواند این باشد که در انجام پژوهش‌ها از مصاحبه متخصصان استفاده نشده است. انجام این تکنیک می‌تواند به پالایش داده‌های پژوهش بر مبنای نیازسنجی نهادهای سیاست‌گذار و اقتضانات میدان پژوهش می‌انجامد که قطعاً در نتیجه آن پیشنهادات کاربردیتر و دقیقتر تدوین خواهند شد.

- امیرخانی، رضا (۱۳۸۸)، *نشت نشا*، تهران: قدیانی.
- توکل، محمد و عرفان منش، ایمان (۱۳۹۳)، *فرا تحلیل کیفی مقالات علمی ناظر بر مسئله فرار مغزها در ایران، بررسی مسائل اجتماعی ایران*، دوره ۵، شماره ۱.
- ذاکر صالحی، غلامرضا (۱۳۸۶)، *فرا تحلیل مطالعات انجام شده در زمینه جذب نخبگان و پیشگیری از مهاجرت آنان، مجله جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۲۹.
- جوادزاده، پدرام (۱۳۹۴)، *علل اجتماعی مهاجرت نخبگان ایرانی به دانشگاه‌های آمریکا، مدیریت فرهنگی*، دوره ۹، شماره ۲۸.
- حکیم زاده، رضوان، طلایی، ابراهیم و جوانک، ماندانا (۱۳۹۲)، *تأثیر عوامل آموزشی، اجتماعی و فرهنگی بر تمایل به مهاجرت از کشور در دانشجویان دانشگاه تهران، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی*، شماره ۶۹.
- خاوری نژاد، سعید (۱۳۹۳)، *اقتصاد سیاسی مهاجرت نخبگان ایران، بررسی جنبه‌های نظری و عملی مهاجرت نخبگان ایرانی در سالهای ۹۰-۱۳۷۰*، تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.
- سالنامه مهاجرتی ایران (۱۴۰۲)، *رصدخانه مهاجرت ایران: پژوهش‌کده سیاست‌گذاری دانشگاه صنعتی شریف*.
- سعیدی، سعیده (۱۳۹۸)، *بازنمایی وطن در میان ذهنیت مهاجران: رهیافتی نظری به دیاسپورای ایرانی، فصلنامه علوم اجتماعی*، دوره ۲۶، شماره ۸۷.
- سعیدی، سعیده (۲۰۲۱)، *بازخوانی تمنای مهاجرت از دریچه جنسیت: فرجه شدن آموزش عالی ایران در بوته نقد، مجله دراسات العلوم الانسانیة*، دوره ۲۷، شماره ۴.
- سعیدی، سعیده (۱۴۰۱)، *زندگی در پاورقی تجربه زیسته اتباع افغانستانی در نهاد آموزش ایران*. تهران: موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم.
- فلاحی، کیومرث (۱۳۹۴)، *بررسی رابطه تعلق خانوادگی، هویت ملی و پابندی به ارزشها با میزان مهاجرت دانش‌آموزان المپیادی به خارج از کشور، خانواده و پژوهش*، دوره ۱۲، شماره ۲۹.
- عربستانی، مهرداد (۱۳۹۷)، *تمنای رفتن: مهاجرت به خارج در میان ذهنیت ایرانی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات*.
- مشفق، محمود و خزایی، معصومه (۱۳۹۴)، *تحلیلی بر ویژگیها و تعیین‌کننده‌های مهاجرت مستقل زنان در ایران، مطالعات راهبردی زنان*، سال ۱۷، شماره ۶۷.
- هاشمی، ستاره و بهرنگ صدیقی (۱۳۹۷)، *در تقاطع جنسیت و ملیت: مادران افغانستانی و آموزش فرزندان، مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۱۹، شماره ۲.

Adepoju, A. (2000). Issues and recent trends in international migration in Sub-Saharan Africa, *International Social Science Journal*, 52(165).

Akhtar, S. (1995). A third individuation: Immigration, identity, and the psychoanalytic process. *Journal of the American Psychoanalytic Association*, 43.

Berry, J.W. (2005). Acculturation: living successfully in two cultures. *Journal of Intercultural Relations*, 29.

Brettell, C. (2016). *Gender and migration*, Polity.

Cohen, J., & Sirkeci, I. (2011). *Cultures of migration*. University of Texas Press.

Farahani, F. (2010). Sexing diaspora: negotiating sexuality in shifting cultural landscape, In: H. Moghisi & Ghorashi, H. *Muslim diaspora in the West*. Ashgate Publishing Limited.

Ghorashi, H. (2003). *Ways to survive, battles to win: Iranian women exiles in the Netherlands and the United States*. New York: Nova Science Publisher.

Glass, G. (1976). Primary, secondary, and meta-analysis of research. *Educational Researcher*, 5(10).

Grinberg, I., & Grinberg, M. (1989). Psychoanalytic perspective on migration and exile. New Haven, Yale university press.

Hashemi, M. (2006). Immigrants and exiles: Iranian women in the United States, PhD Dissertation, The State University of New Jersey.

McAuliffe, C. (2016). Visible minorities: Constructing and deconstructing the Muslim Iranian diaspora in: Hopkins, P. *Geographies of Muslim Identities, Diaspora, Gender and Belonging*, London: Taylor & francis.

Hansen, P. (2008). Circumcising migration: Gendering return migration among Somalilanders. *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 34(7).

Hirschman C. (1999). Theories of international migration and immigration: A preliminary reconnaissance of ideal types." In C Hirschman, J DeWind, P Kassinitz (eds.). *International Migration and the Remaking of America*. New York: Russell Sage Foundation.

Kabeer, N. (1994). *Reversed Realities: Gender Hierarchies in Development Thought*. United Kingdom: Verso.

Lee, E. (1966). A Theory of Migration. *Demography*, 3(1).

Lysgaard, S. (1955). Adjustment in a foreign society: Norwegian Fulbright Grantees visiting the United States. *International Social Science Bulletin*, 7.

Monsutti, A. (2007). Migration as a rite of passage: young Afghans building

masculinity and adulthood in Iran. *Iranian Studies*, 40(2).

OECD.(2019). Available from: <https://www.oecd-ilibrary.org/docserver/9789264307216-en.pdf?expires=1630156380&id=id&accname=guest&checksum=D30BD79AE32444CC4F56E6489B728C9E>

Sjaaſtad, L. (1962). The costs and returns of human migration. *Journal of Political Economy*, 70(5).

Stark, O.(1984). Rural-to-urban migration in LDCs: A relative deprivation approach. *Economic Development and Cultural Change*, 32(3).

Stark, O., & Taylor, J. (1991). Migration incentives, migration types: the role of relative deprivation. *The Economic Journal*, 101(408).

Todaro, M.P. (1969). A Model of labor migration and urban unemployment in less developed countries, *American Economic Review*, 59.

Trager, L. (ed)(2005). *Migration and economy: global and local dynamics*. Boulder, CO: AltaMira Press.

Wallerſtein, I. (1974). *The modern world system, capitalist agriculture and the origins of the European world economy in the sixteenth century*. New York: Academic Press.